

جزء بیست و ششم

دوستی با مؤمنان و دشمنی با دشمنان

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ
عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

سوره فتح، آیه ۲۹

محمد پیامبر خدا و همراهانش، در برابر دشمنان
بی‌دین سرسخت‌اند و با خودشان مهربان.



سُورَةُ الْفَتْحِ

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ
تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي
الْإِنْحِيلِ كَزُرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى
عَلَى سَوْفِهِ يُعْجَبُ الزَّرَّاعُ لِيَغْضِبَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٩﴾

سُورَةُ الْحُجُرَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا
أصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ، بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ
لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ
يَعْزُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ
اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ
يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



بیانی از آیه شریفه

جامعه ولایی و جهادی که ولایت را سرمنشأ همه فعالیت‌های خود قرار داده است، در کنار ولایت خدا و اولیایش، پیوندهای خود با مؤمنان را تقویت و در برابر دشمنان جامعه ایمانی صف‌آرایی می‌کند. در آیه پایانی سوره مبارکه فتح، خداوند متعال این دو نکته را در کنار یکدیگر آورده است تا بر تلازم این دو اصل بیش از پیش تأکید ورزد. اساساً دوستی با مؤمنان و دشمنی با کافران لازم و ملزوم یکدیگرند. از سویی، دوستی واقعی با مؤمنان موجب موضع‌گیری روشن و تقابل آشکار با دشمن آنان می‌شود و نمی‌توان پذیرفت کسی که ادعای دوستی با مؤمنان دارد، با دشمن آنان نیز دوستی کند؛ از سوی دیگر، دشمنی با کفار اگر به وجه مشترک رفتاری مؤمنان تبدیل شود، موجب خواهد شد که دل‌های مؤمنان به یکدیگر نزدیک شود و در برابر این دشمن مشترک با یکدیگر اتحاد یابند و مهربانی در درون جامعه اسلامی حاکم شود.

این اصل مهم در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی قابل تطبیق است؛ در سطح ملی، لازمه ایمان و ولایت آن است که رابطه قلبی با مؤمنان تقویت شود و صلابت در برابر دشمنان کشور نیز مد نظر قرار گیرد و در سطح بین‌المللی نیز لازمه ولایت مؤمنان حمایت همه‌جانبه از همه مؤمنان عالم و صف‌آرایی مشترک در برابر کفار و مشرکان است. امروزه، حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم لبنان و فلسطین از یک سو و ایستادگی قاطع در برابر دشمنان امت که در رأس آنان آمریکای غارتگر و صهیونیست‌های

جنایت‌کار قرار دارند از سوی دیگر وظیفه مهم انسانی و دینی است. شرکت در راه‌پیمایی روز جهانی قدس می‌تواند به تقویت جریان مقاومت در جهان و تضعیف نظام سلطه کمک کند و مصداق روشنی برای عمل به آیه ۲۹ سوره فتح به شمار رود.

در آینه آیات کریمه قرآن

- ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱!
- ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۲.
- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾^۳.

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۷۱: «مردان و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند، همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کنند. به‌زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.»
۲. سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۰: «(جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند. بنابراین، [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار سازید و از خدا پروا کنید که مورد رحمت قرار گیرید.»)
۳. سوره مبارکه ممتحنه، آیه ۱: «(ای اهل ایمان، دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید. شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، درحالی‌که آنان به یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرنند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می‌کنند. [پس، آنان را دوستان خود مگیرید.]»)

- «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا أُسْتَفِرِّنَ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^۱.
- «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَيُحَذِّرْكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»^۲.
- «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۳.

اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی ام بیرون آمده‌اید، [چرا] مخفیانه به آنان پیام می‌دهید که دوستشان دارید؟ درحالی‌که من به آنچه پنهان می‌داشتید و آنچه آشکار کردید داناترم، و هرکس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند مسلماً از راه راست منحرف شده است.

۱. سوره ممتحنه، آیه ۴: «مسلماً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست، آن‌گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید. [آری، ابراهیم و مؤمنان جز اعلام بیزاری، سخنی با بت پرستان نداشتند] مگر سخن ابراهیم به پدرش که گفت: من برای تو [در صورتی که دست از دشمنی و کینه با حق برداری] آمرزش خواهم خواست و در برابر خدا به سود تو اختیار چیزی را ندارم. پروردگارا، بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و بازگشت به سوی توست.»

۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۲۸: «مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هرکس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه‌ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهد [به سبب دفع خطری که متوجه شماست] از آنان تقیه کنید. خدا شما را از [عذاب] خود برحذر می‌دارد، و بازگشت [همه] به سوی خداست.»

۳. سوره مبارکه نساء، آیه ۱۳۹: «همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می‌گیرند، آیا عزت و قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.»

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۱!
- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَىٰ الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲.
- «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»^۳.

در آینه روایات معصومان علیهم السلام

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحِبِّ فِي اللَّهِ وَأَبْغِضْ فِي اللَّهِ وَوَالِ فِي اللَّهِ وَعَادِ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تَتَّالُ وَلَا تِيَّةُ اللَّهُ إِلَّا بِدَلِّكَ وَلَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعَمَ الْإِيمَانَ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَقَدْ صَارَتْ مُوَاحَاةَ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرَهَا فِي الدُّنْيَا عَلَيْهَا يَتَوَادُّونَ وَعَلَيْهَا يَتَبَاغَضُونَ وَذَلِكَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا فَقَالَ لَهُ وَكَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ أَيُّ قَدِّ وَالْبَيْتِ وَعَادَيْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ وَلِيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى أُوَالِيَهُ وَمَنْ عَدُوُّهُ حَتَّى أَعَادِيَهُ فَأَشَارَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ أَتَرَى هَذَا فَقَالَ بَلَى قَالَ وَلِيٌّ هَذَا وَلِيٌّ اللَّهُ فَوَالِهِ وَعَدُوٌّ هَذَا

۱. سوره مبارکه مائده، آیه ۵۱: «ای اهل ایمان، یهود و نصارا را سرپرستان و دوستان خود مگیرید. آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفادارند]؛ و هرکس از شما یهود و نصارا را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است. بی تردید، خدا گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.»
۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۲۳: «ای اهل ایمان، اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنان را دوستان و سرپرستان خود مگیرید؛ و کسانی از شما که آنان را دوست و سرپرست خود گیرند، هم‌اینان اند که ستمکارند.»
۳. سوره مبارکه انفال، آیه ۷۳: «(و آنان که کافرنند، دوستان و یاران یکدیگرند [و] اگر شما فرمان پیوند [با اهل ایمان و قطع رابطه با کافران] را به اجرا نگذارید، فتنه و فساد بزرگ در زمین پیدا خواهد شد.»

عَدُوُّ اللَّهِ فَعَادِهِ وَالِ وَلِيِّ هَذَا وَلَوْ أَنَّهُ قَاتِلُ أَبِيكَ وَوَلَدِكَ وَعَادِ عَدُوِّ هَذَا وَلَوْ أَنَّهُ أَبُوكَ وَوَلَدُكَ.^۱

- امام علی علیه السلام: أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ فَأَصْدِقَاؤُكَ صَدِيقُكَ وَصَدِيقُ صَدِيقِكَ وَعَدُوُّ عَدُوِّكَ وَأَعْدَاؤُكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّ صَدِيقِكَ وَصَدِيقُ عَدُوِّكَ.^۲
- امام باقر علیه السلام: عَشْرٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَهِنٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَالْإِفْرَازُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحِجُّ الْبَيْتِ وَالْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَاجْتِنَابُ كُلِّ مُسْكِرٍ.^۳

۱. ابن بابویه قمی، الامالی، ص ۱۱: «یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از اصحابشان فرمودند: ای بنده خدا، دوست دار در راه خدا و دشمنی کن در راه خدا، مهر بورز در راه خدا و خصومت کن در راه خدا که به ولایت خدا نرسی جز بدان و نیابد مردی مزه ایمان را هرچه هم نماز و روزه اش بسیار باشد تا چنین باشد. همانا بیشتر برادری مردم در این روزگار شما در راه دنیاست: بر سر آن با هم دوستی کنند و بر سر آن با هم دشمنی ورزند و این نزد خدا برای آنها هیچ فایده ندارد. آن شخص به آن حضرت عرضه داشت: چطور بدانم که در راه خدای عزوجل دوستی و دشمنی کردم؟ دوست خدا کیست تا با او دوستی کنم و دشمنش کیست تا دشمن او باشم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره به علی علیه السلام کردند و فرمودند: این مرد را می بینی؟ عرض کرد: آری. فرمودند: دوست او دوست خداست. او را دوست دار. دشمن او دشمن خداست. او را دشمن دار. دوستش را دوست دار؛ گرچه کشنده پدرت باشد و دشمنش را دشمن دار؛ گرچه پدر یا فرزندت باشد.»

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵: «دوستانت سه نفر و دشمنانت نیز سه نفرند. اما دوستانت دوستت و دوست دوستت و دشمن دشمنت هستند. اما دشمنانت دشمنت و دشمن دوستت و دوست دشمنت هستند.»

۳. ابن بابویه قمی، الخصال، ج ۲، ص ۴۳۲: «ده چیز است که هرکس با آنها خدا را ملاقات کند به بهشت داخل می شود: گواهی بر اینکه خدایی به جز خداوند نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و اقرار بر آنچه از نزد خدای عزوجل آورده است و بر داشتن نماز و پرداخت زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و دوستی با دوستان خدا و بیزاری از دشمنان خدا و کناره گیری از هرچه مستی آورد.»

- امام صادق علیه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَأَحَبَّ مُحِبَّنَا لَا لِعَرَضٍ دُنْيَا يُصِيبُهَا مِنْهُ وَعَادَى عَدُوَّنَا لَا لِإِخْتِنَةٍ كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ ثُمَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَرَبِدِ الْبُحْرِ عَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ.^۱
- وَقِيلَ لِلصَّادِقِ علیه السلام إِنَّ فُلَانًا يُؤَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَضْعُفُ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنِ ادَّعَى مُحِبَّتَنَا وَلَمْ يَتَّبِعْنَا مِنْ عَدُوِّنَا.^۲
- زید بن ارقم: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ علیهم السلام فَقَالَ: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَسَلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ.^۳

در آینه کلام بزرگان

- کلام در این صدد است که مؤمنین به رسول خدا صلی الله علیه و آله را توصیف کند، و «شدت» و «رحمت» که دو صفت متضاد است از صفات ایشان شمرده شده و جمله «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را مقید کرد به جمله «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» تا توهمی که ممکن بود بشود دفع کرده باشد، و دیگر کسی نپندارد که

۱. طوسی، الامالی، ص ۱۵۶: «هر که ما را دوست داشته باشد برای خدا و دوست داشته باشد دوست ما را نه برای هدفی مادی که از او چشم دارد و دشمن بدارد دشمن ما را نه به واسطه اختلافی که بین او و دشمن ماست، در صورتی وارد قیامت شود که با اینکه گناهش به اندازه ریگ انبوه و کف دریاست، خداوند او را می‌آمرزد.»
۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸: «به امام صادق علیه السلام عرض کردند فلان کس شما را دوست می‌دارد، ولی در بیزاری از دشمنانتان ضعیف است. فرمودند: هیبات دروغ می‌گوید کسی که مدعی است ما را دوست می‌دارد، ولی از دشمنان ما بیزاری نمی‌جوید.»
۳. طوسی، الامالی، ص ۳۳۶: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی از خانه خارج شدند و با امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام برخورد کردند. سپس فرمودند: من دشمن کسی هستم که با شما دشمن است و دوست کسی هستم که با شما دوست است.»

شدت و بی‌رحمی نسبت به کفار باعث می‌شود مسلمانان به طور کلی و حتی نسبت به خودشان هم سنگ‌دل شوند. لذا دنبال «اشداء» فرمود: **﴿رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾**؛ یعنی در بین خود مهربان و رحیم‌اند؛ و این دو جمله مجموعاً افاده می‌کند که سیره مؤمنین با کفار شدت و با مؤمنین رحمت است.^۱

■ در آغاز می‌فرماید: «محمد فرستاده خداست»؛ **﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ﴾**؛ خواه شب‌پره‌هایی همچون «سهیل بن عمرو» بپسندند یا نپسندند و خود را از این آفتاب عالم‌تاب پنهان کنند یا نکنند. خدا گواهی به رسالت او داده و همه آگاهان گواهی می‌دهند. سپس، به توصیف یارانش پرداخته و اوصاف ظاهر و باطن و عواطف و افکار و اعمال آنها را طی پنج صفت چنین بیان می‌کند: «کسانی که با او هستند در برابر کفار شدید و محکم هستند»؛ **﴿وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾**؛ و در دومین وصف می‌گوید: «اما در میان خود رحیم و مهربان‌اند»؛ **﴿رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾**. آری؛ آنها کانونی از عواطف و محبت نسبت به برادران و دوستان و هم‌کیشان‌اند، و آتشی سخت و سوزان و سدی محکم و پولادین در مقابل دشمنان.

در حقیقت، عواطف آنها در این «مهر» و «قهر» خلاصه می‌شود، اما نه جمع میان این دو در وجود آنها تضادی دارد، و نه قهر آنها در برابر دشمن و مهر آنها در برابر دوست سبب می‌شود که از جاده حق و عدالت قدمی بیرون نهند؛ در سومین صفت که از اعمال آنها سخن می‌گوید می‌افزاید: «پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی و همواره به عبادت خدا مشغول‌اند.»^۲

■ ضرورت شناخت دوست و دشمن

مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید.^۳

۱. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۴۶.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۳.

۳. بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۹/۳/۱۴.

■ معنای سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم

در زیارت عاشورا، شما به امام حسین علیه السلام عرض می‌کنید: یا ابا عبد الله انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم یعنی چه؟ یعنی این کارزار میان جبهه حسینی و جبهه یزیدی تمام نشدنی است؛ این کارزار ادامه دارد. جبهه حسینی خودش را معرفی کرده؛ امام حسین علیه السلام در همین سفر کربلا، در چند جا مشخص کرده که حرفش چیست، هدفش چیست. فرمود: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال من رأى سلطاناً جائراً. مسئله، مسئله ظلم است؛ مسئله جور است. مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ... يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ. مسئله این است. این جبهه حسینی است که در مقابله با ظلم فعالیت می‌کند و جهاد می‌کند. نقطه مقابلش هم جبهه جور است، جبهه ظلم است، جبهه شکستن عهد الهی است. امروز، شما در دنیا این را می‌بینید، قبل از دوران امام حسین علیه السلام هم این دوجبه‌ای وجود داشت، در زمان بعد از ایشان هم وجود داشته، امروز هم وجود دارد، تا آخر هم وجود خواهد داشت. در همه اینها انی سلم لمن سالمکم؛ با هرکسی که در جبهه شماست من خوبم. حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ؛ با هرکسی که با جبهه شما می‌جنگد، می‌جنگم. این جنگ اشکال مختلفی دارد: در دوران شمشیر و نیزه یک جور است، در دوران اتم و هوش مصنوعی و امثال اینها یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران تبلیغات به وسیله شعر و قصیده و حدیث و بیان کلمات یک جور است، در دوران اینترنت و کوانتوم و امثال اینها هم یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران دانشجو بودن انسان یک جور است، در دوران مدیر شدن و مسئول شدن یک جور دیگر است؛ در همه احوال هست. حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ نباید فراموش بشود. حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ همیشه به معنای تفنگ به دست گرفتن نیست؛ به معنای درست اندیشیدن، درست سخن گفتن، درست شناسایی کردن، دقیق به هدف زدن است. حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ این جوری است. بدانید وظیفه

چیست، شناسید راهی را که باید پیمایید. اگر این جور فکر کردیم، این جور شناسایی کردیم، این جور همت کردیم، زندگی معنا پیدا می‌کند، زندگی هدف پیدا می‌کند. پول لایق این نیست که هدف زندگی باشد. مقام و قدرت و موقعیت‌های اجتماعی حقیرتر از آن هستند که هدف زندگی انسان قرار بگیرند. هدف زندگی بندگی است؛ رسیدن به خداست. راهش هم فقط همین است: **سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمُ وَحَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكُمْ**^۱.

■ برائت از مشرکان ضرورتی همیشگی

اعلان برائت کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فراندند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام غفلت نکنند که مسلماً جهان‌خواران و دشمنان ملت‌ها بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حیل‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند و روحانی‌نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملی‌گراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشت‌های غلط و منحرف روی می‌آورند و برای خلع سلاح‌های مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد ﷺ به هر کاری دست می‌زنند.^۲

■ دوستی با همه کشورهای اسلامی

ما صریحاً و علناً به همه گفته‌ایم: ما دست دوستی به سمت همه دولت‌های مسلمان منطقه دراز می‌کنیم؛ ما با دولت‌های مسلمان هیچ مشکلی نداریم. البته روابطمان با بسیاری از همسایه‌ها یعنی اغلب

۱. بیانات امام خامنه‌ای در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۳/۶/۴.

۲. موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۵.

همسایه‌هایمان هم روابط دوستانه و برادرانه است. در شمال، در جنوب، در غرب و در شرق، کشورهایی که دوروبر جمهوری اسلامی ایران هستند، با ما روابط خوب دارند. البته بعضی‌ها هم نزدیک و دور اختلاف دارند، لجاجت می‌کنند، خباثت می‌کنند؛ البته این هست؛ لکن از طرف ما بنیامان بر ارتباطات خوب با همسایگان است؛ دولت‌ها و بالخصوص ملت‌ها. ارتباطات کشور ما با ملت‌ها ارتباطات خوبی است.^۱

در آینه شعر و حکایت

حکَم بن عُتیبه می‌گوید: روزی در محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودیم و اتاق نیز مملو از جمعیت بود. ناگهان پیرمردی که بر عصای بلندی تکیه کرده بود وارد شد، دم در ایستاد و گفت: سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد ای فرزند رسول خدا، و پس از آن ساکت شد. امام باقر علیه السلام پاسخ دادند: وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته. پیرمرد رو به حاضران کرد و به آنان نیز سلام داد و همچنان ایستاد تا همگی جواب سلامش را دادند. آن‌گاه روی خود را به سمت امام باقر علیه السلام کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا، مرا نزدیک خود بنشان که به خدا سوگند، من به شما و دوستدارانتان علاقه مندم. به خدا سوگند، این دوستی‌ها برای دنیا نیست، و به خدا، من دشمن دارم دشمنانتان را و از آنان بیزارم. به خدا این دشمنی و بیزاری به این دلیل نیست که آنان فردی از اطرافیانم را کشته باشند. به خدا سوگند، من حلال شما را حلال می‌دانم و حرمتان را حرام می‌شمارم و چشم به فرمانتان دارم. قربانتان شوم، آیا با این ترتیب، درباره من امید سعادت و نجات دارید؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: «پیش بیا؛ پیش بیا.» سپس او را

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۲۶/۵/۱۳۹۴.

نزد خود نشانند و فرمودند: «ای پیرمرد، همانا مردی نزد پدرم، علی بن حسین علیه السلام، شرفیاب شد و همین پرسش را مطرح کرد. پدرم به او فرمودند: اگر با این حال بمیری، به رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیه السلام وارد شوی و دلت خنک شود، قلبت آرام گیرد، دیده‌ات روشن شود و به همراه نویسندگان اعمال با روح و ریحان از تو استقبال شود، و این در وقتی است که جان به اینجای تو رسد»، و با دست به گلویشان اشاره فرمودند، «و اگر زنده بمانی، آنچه را موجب چشم‌روشنی‌ات است ببینی و در بالاترین درجات بهشت با ما خواهی بود.»

پیرمرد گفت: چه فرمودید ای اباجعفر؟ [پیرمرد با تعجب از امام خواست تا کلامشان را تکرار کنند.] امام همان سخنان را برای او تکرار کردند. پیرمرد گفت: الله اکبر! ای اباجعفر، اگر بمیرم، به رسول خدا، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیه السلام درآیم و دیده‌ام روشن شود، دلم خنک شود، قلبم آرام گیرد، و به همراه نویسندگان اعمال با روح و ریحان مورد استقبال قرار گیرم، هنگامی که جانم به اینجا رسد! و اگر زنده بمانم، ببینم آنچه را دیده‌ام بدان روشن شود و با شما باشم در بالاترین درجات بهشت؟ این جملات را گفت و آن قدر گریه کرد تا نقش بر زمین شد. حاضران نیز که حال پیرمرد را دیدند، به گریه و زاری پرداختند. امام باقر علیه السلام که چنان دیدند، با انگشت خود قطرات اشک را از گوشه‌های چشم آن پیرمرد پاک کردند. پیرمرد سربلند کرد و عرضه داشت: دستتان را به من بدهید قربانتان شوم. حضرت دستشان را به پیرمرد دادند و او دستان حضرت را می‌بوسید و بر دیده و رُخ خود می‌گذاشت. سپس شکم و سینه خود را گشود و دستان امام را بر شکم و سینه‌اش گذاشت و برخاست و خداحافظی کرد و به راه افتاد. امام باقر علیه السلام نگاهی به پشت سر پیرمرد کردند و رو به حاضران فرمودند: «هرکس می‌خواهد مردی از اهل بهشت را ببیند به این مرد بنگرد.»^۱

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۷۶.

خدای متعال به موسی علیه السلام وحی کرد: «آیا هرگز برای من کاری کرده‌ای؟»
گفت: «معبودا، من برای تو نماز خواندم، روزه گرفتم، صدقه دادم و
ذکر تو را گفتم.»

خداوند فرمود: «نماز برای تو بُرهان است و روزه حفاظ و صدقه سایه
و ذکر نور. چه عملی را برای من کردی؟»

موسی علیه السلام گفت: «مرا به عملی که مخصوص توست راهنمایی فرما.»
خداوند فرمود: «ای موسی، آیا هرگز به خاطر من با دوستی، دوستی
کرده‌ای و آیا به خاطر من با دشمنی، دشمنی ورزیده‌ای؟»
پس موسی علیه السلام دانستند که محبوب‌ترین اعمال دوست داشتن به
خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خداست.^۱

حبِّ علی و آل او در سینه دارم
با عشق مولا الفتی دیرینه دارم
با خیلِ دوستانش مودت دارم، اما
نفرت ز جمعِ دشمنِ پُرکینه دارم^۲



■ دوستی و دشمنی یا حب و بغض احساس درونی به دیگران است. برای
تقویت این حس درونی و استوار نگه داشتن این احساسات، باید در
رفتار نیز این دوستی و دشمنی نمایان شود. پس، توصیه می‌شود برای

۱. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۲۸.

۲. ابراهیم جلالی نژاد.

ابراز دوستی به دوستان، علاوه بر تماس‌های هفتگی و احوالپرسی، گاهی برای آنها هدیه نیز تهیه شود. برای تثبیت حس انزجار و دشمنی به دشمنان نیز توصیه می‌شود با شناخت دشمنِ زمانه و شرکت در انواع راه‌پیمایی‌ها برای محکوم کردن دشمن ظالم، این احساس نفرت نمایان شود.



جمع اضداد بودن صفت برجسته مؤمنان

یکی از خصلت‌های خوب مؤمنان که به دست آوردنش با زحمت است و می‌خواهم بگویم تقریباً دست‌نیافتنی است، ولی واقعاً می‌ارزد که در تمام عمر در تمرین کسب چنین خصلت خوبی تلاش کنیم این است که مؤمنان باید صفت برجسته‌ای پیدا کنند به نام جمع بین اضداد. خدا نیز همه امتحانش را بر محور کسب چنین فضیلتی از ناحیه ما قرار داده است و تا آخر عمر بابت کسب این فضیلت امتحان پس خواهیم داد.

مؤمنان در اوج شجاعت، باید در اوج ترس هم باشند. مؤمنان حقیقی در اوج ترس، امید دارند و میزان ترس و امیدشان یکسان است. در اوج مهربانی و مدارا، اهل مقاومت و محکم‌اند.

از نظر شخصیتی، محکم باشیم یا انعطاف‌پذیر؟ هر دو. فرمودند مؤمن مثل کوه استوار است و از سوی دیگر فرمودند مؤمن مثل خوشه‌های گندم انعطاف‌پذیر است. آقا، مثل کوه باشیم یا مثل خوشه‌های گندم؟ هر دو آن؛ هر دو آن را عشق است.

آدم قدرت روحی می‌خواهد برای اینکه اضداد را در خود جمع کند و به موقع به کار گیرد.

در تربیت سختگیری کنیم یا نه؟

در تربیت کودک، سختگیری کنیم یا شل بگیریم؟ هر دو؛ منتها مهم این است که بدانیم کجا سختگیری کنیم و کجا سهل‌گیری. فرق شما با دیگران همین جاست دیگر. برای دنیا بدویم یا برای آخرت؟ هر دو. فرمودند جوری در دنیا زندگی کن انگاری همیشه می‌خواهی در دنیا زندگی کنی و جوری برای آخرت بدو که انگار همین امشب می‌خواهی از دنیا بروی. سخت است. بله، اما منظور این است که ریل‌گذاری دین‌داری ما باید به این سمت و سو باشد. مادرها بچه‌ها را به شیوه‌ای تربیت کنند که توان جمع بین اضداد در بچه‌ها تقویت شود. بچه‌ای که مدام می‌ترسد و هیچ وقت فرصت بروز شجاعت ندارد ترسو خواهد شد و در زمانی که باید شجاعت به خرج بدهد نمی‌تواند.

آدم‌های تک‌بعدی شخصیت نامتعادلی دارند

بعضی آدم‌های تک‌بعدی شخصیت نامتعادلی دارند؛ بعضی فقط مهربان‌اند؛ بعضی فقط خشن هستند. خلاصه، آدم‌هایی که جمع اضداد نیستند تعادل روحی ندارند.

جمع اضداد بودن در یک آیه

یکی از آیاتی که به زیبایی این جمع بین اضداد بودن جامعه مؤمنان را نشان می‌دهد این آیه است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ (محمد ﷺ پیامبر خداست و همراهانش در برابر کافران سرسخت‌اند و با یکدیگر مهربان.) اساساً دوستی با مؤمنان و دشمنی با کافران دوقلوهای جدانشدنی از هم هستند. برخی سیاست‌مداران و غرب‌زدگان درست برخلاف این آیه عمل می‌کنند؛ با جبهه مؤمنان دشمنی دارند و حاضر نیستند حتی به آنها لبخند بزنند؛ ولی در مواجهه با دشمنان،

مهربان و نرم خو هستند. بعضی کلاً در صلح هستند: نمی‌توانند دشمنی و شدت عمل با دشمنان داشته باشند. هم با مؤمنان خوب‌اند هم با کافران؛ درحالی‌که نتیجه دوستی واقعی با مؤمنان موضع‌گیری روشن و تقابل آشکار با دشمن است.

فواید جمع اضداد بودن

از طرف دیگر، دشمنی با کفار اگر به وجه مشترک رفتاری مؤمنان تبدیل شود، موجب نزدیکی دل‌های مؤمنان به یکدیگر می‌شود و در برابر این دشمن مشترک با یکدیگر اتحاد می‌یابند و مهربانی درون جامعه اسلامی حاکم می‌شود.

جمع اضداد بودن در سطح ملی و بین‌المللی

این اصل مهم جمع اضداد بودن در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی قابل تطبیق است: در سطح ملی، لازمه ایمان و ولایت آن است که رابطه قلبی با مؤمنان تقویت شود و صلابت در برابر دشمنان کشور نیز مد نظر قرار گیرد و در سطح بین‌المللی نیز لازمه ولایت مؤمنان حمایت همه‌جانبه از همه مؤمنان عالم و صف‌آرایی مشترک در برابر کفار و مشرکان است.

امروزه، حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم لبنان و فلسطین از یک طرف و ایستادگی قاطع در برابر دشمنان امت که در رأس آنان آمریکای غارتگر و صهیونیست‌های جنایت‌کار قرار دارند از سوی دیگر وظیفه مهم انسانی و دینی است. جالب است آنها این قاعده را رعایت می‌کنند: اسرائیل و آمریکا با خودشان مهربان هستند، اما با دشمنانشان شدت عمل دارند؛ ولی ما مؤمنان گاهی، اختلافاتمان شدید است و حاضر نیستیم در یک جبهه حتی انقلابی به هم رحم کنیم. گروه دیگر برعکس‌اند: با دشمنان مهربان‌اند، ولی با دوستان انقلاب دشمنی می‌کنند.

فتنه‌ای بدتر از دجال

فرمودند: «فتنه این مدل مدعی تشیع از دجال بالاتر است. علامتش نیز همین است: دوستی با دشمنان ما و دشمنی با دوستان ما.» بدتر از دجال‌ها را در بین خودمان بیابیم. کدام جریان سیاسی و اجتماعی چنین موضع‌گیری‌هایی دارد؟ شعار قرآن این است: شدت با دشمنان و دوستی با مؤمنان.

امروز شرکت در راه‌پیمایی روز جهانی قدس می‌تواند به تقویت جریان مقاومت در جهان و تضعیف نظام سلطه کمک کند و مصداق روشنی برای عمل به این آیه است: دل دشمن شما را هم خالی می‌کند و دل دوستان شما را گرم می‌سازد.

